

# تداعی معانی

سیامک آرمان

مهرانه روزی مشغول ورق‌زدن و تماشای «جنگ» (آلبوم) عکس‌هایش بود که چشمش به عکس یکی از دوستانش افتاد. او سال گذشته به بابل‌سر رفته بود. مهرانه با دیدن عکس او، به یاد دوستش، به یاد دوران تحصیلش با او، به یاد کلاس دبیرستانی که با هم در آنجا درس می‌خواندند و به یاد دوستان و هم‌کلاسی‌های دیگرش افتاد. به یاد چیزهای دیگری هم افتاد که خیلی مهرانگیز و شورانگیز بودند و دلش یاد آن روزها را کرد. آن روزها، آن خیال‌ها، آن آرزوها، آن درد دل‌ها، آن همدردی‌ها و رازها. همه این‌ها یک‌مرتبه با دیدن یک عکس به خاطرش آمدند. بالاخره آن خاطرات گذشته همه دست به دست هم دادند و اشک‌های مهرانه را از دیدگانش جاری ساختند.

سال گذشته سینا در مدرسه‌ای درس می‌خواند و در پایان سال از مدیر، یک تقویم رومیزی عیدی گرفت. حالا هر وقت در اتاق خوابش چشمش به آن تقویم می‌افتد، به یاد آن مدرسه، به یاد دبیران، به یاد کلاس درس، به یاد میز و نیمکت، به یاد در و پنجره و به یاد راهرو و دفتر و چیزهای دیگر مدرسه می‌افتد.

چند سال پیش در مسافرتی در فصل تابستان در استخر، جوانی را دیدم که یک دست نداشت، ولی با همان یک دستی که داشت، ماهرانه در آب استخر شنا می‌کرد. حالا هر وقت آدم بی‌دستی را می‌بینم، به یاد مسافرت آن سال و به یاد استخر و به یاد کسانی که در آنجا شنا می‌کردند، به یاد درختانی که آن اطراف بودند و به یاد چیزهای دیگر آنجا می‌افتم.

بعضی از امور چون زنجیری در مغز به‌هم‌پیوسته‌اند. وقتی یکی از آن‌ها به یاد انسان می‌آید، سایر چیزهای مجاور آن هم به یاد می‌آیند.

این عمل را که شما از دیدن عکس به یاد صاحب عکس، از دیدن تقویم به یاد مدرسه، و به‌طور کلی از دیدن چیزی به یاد چیز دیگری می‌افتید، «تداعی معانی» یا «تسلسل افکار» می‌نامند.

ارسطو برای یادآوری این قبیل امور سه قانون وضع کرد: مشابهت، تضاد و مجاورت.

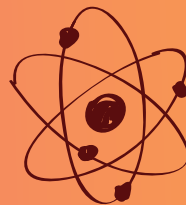
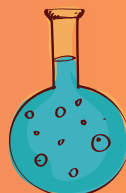
۱. **مشابهت:** شبیه‌بودن کلمه‌ای به کلمه دیگری و یا شبیه‌بودن چیزی به چیز دیگر که شما را به یاد آن چیز می‌اندازد. مثلاً من الان کلمه «چیز» را سه مرتبه تکرار کردم و یاد چیزهای زیادی که یکی از دوستانم در کلاس در جواب سؤال معلم گفت، افتادم.

رضا یکی از دانش‌آموزان بسیار کم‌رو و خجالتی کلاس است. سری پهن، چانه‌ای کشیده، بینی پهن و چشم‌های فرورفته و عمیق دارد. وقت صحبت کردن انگشتان دست‌هایش را در هم قلاب می‌کند و سرش را پایین می‌اندازد. گاهی هم یک دستش را تکان می‌دهد. در یکی از جلسه‌ها رضا تکلیف‌هایش را نیاورده بود. معلم از او پرسید: «چرا تکلیف‌هایت را نیاورده‌ای؟»

پس از کمی مکث و بالا و پایین آوردن و تکان دادن دست و کج و راست شدن گفت: «آقا چیز، منو بعد از ظهر چیز فرستاد پیش چیز که از بازار چیز رو بگیرم. من ... من رفتم چیز رو از چیز بگیرم، چیز شد ... آقا نبود. چیزام موند خونه، ما ... من گفتم آگه برم چیزام رو بیارم، مدرسه چیز می‌شه.»

خلاصه از صحبت‌هایش من فهمیدم که ایشان را «چیز» پیش «چیز» فرستاده بودند که چیز رو از چیز بگیرند و پیش چیز ببرند و بالاخره چیز هم چیز نشد و مدرسه هم چیز شد و تکالیفشان هم چیز شد.

منی دانم شما از این چیزها چه می‌فهمید و به یاد چه چیزهایی می‌افتید، ولی در تداعی معانی به اینکه چیزی انسان را به یاد چیز شبیه آن می‌اندازد، «قانون اول تداعی معانی» یا «قانون



مشابهت» می‌گویند. ولی باید توجه داشته باشید که آن امور و یا اشیا شبیه به همی بیشتر به یاد می‌آیند که بیشتر تکرار شده باشند. مثلاً شما از شنیدن کلمه «سبز» زودتر به یاد درخت سبز می‌افتید تا به یاد زمرد. درخت و زمرد هر دو سبز هستند، ولی چون درخت را بیشتر دیده‌اید، زودتر به یاد درخت می‌افتید.

پس هر وقت شما از رسیدن بهار به یاد جوانی، از رسیدن خزان به یاد پیری، و از دیدن کلمه سبز به یاد درخت سبز می‌افتید، بدانید که به این حالت در روان‌شناسی «اصل مشابهت تداعی معانی» می‌گویند.

**۲. تضاد:** درست برعکس و مخالف مشابهت است. مثلاً شما به محض دیدن آتش به یاد آب می‌افتید، به محض دیدن رنگ سیاه به یاد رنگ سفید می‌افتید یا هنگامی که در زمستان از سرما می‌لرزید، فوراً شدت گرمای تابستان در نظرتان مجسم می‌شود. دوستی دارم که بسیار بداخلاق و عصبانی است. هر وقت او را می‌بینم به یاد یکی دیگر از دوستانم می‌افتم که برخلاف ایشان بسیار خوش‌اخلاق و مهربان است.

**۳. مجاورت:** به‌طور کلی، هر گاه چند چیز مجاور یکدیگر باشند، شما هر وقت یکی از آن‌ها را ببینید، به یاد اشیای دیگر مجاور آن خواهید افتاد. مثلاً وقتی یکی از هم‌کلاسی‌های سابق خود را در خیابان می‌بینید، بلافاصله کلاس، میز و نیمکت، در و پنجره، معلم‌ها و دانش‌آموزان دیگر را که همه مجاور هم بوده‌اند، به یاد می‌آورید.

بعضی از شما به محض دیدن گوجه‌سبز یا شنیدن کلمه گوجه‌سبز دهانتان آب می‌افتد، این‌طور نیست؟ اگر درست است، دلیلش این است که ترشی مجاور با گوجه‌سبز است و شما به محض شنیدن گوجه‌سبز به یاد ترشی آن که مجاور گوجه‌سبز است می‌افتید و دهانتان آب می‌افتد.

## اهمیت تداعی معانی در یادگیری

خسرو می‌گفت: «روزی در کلاس درس فیزیک داشتیم و دبیر فیزیک اثر جریان برق را تعریف می‌کرد. او گفت اگر جریان برق قطع شود، عقربه به حالت اول برمی‌گردد و دیگر آب به اکسیژن و هیدروژن تجزیه نمی‌شود و چراغ (لامپ) هم خاموش می‌شود. در این بین کلید چراغ برق کلاس را که کنار تخته و نزدیک دستش بود زد و چراغ کلاس خاموش شد و پس از چند ثانیه دوباره کلید را زد و کلاس روشن شد.»

خسرو می‌گفت: «حالا من هر وقت کتاب فیزیک و کلمه فیزیک را می‌بینم یا می‌شنوم به یاد خاموش شدن کلاس و به یاد درس آن جلسه می‌افتم. درس‌های آن روز به خوبی در نظرم مجسم می‌شوند و درس آن جلسه را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم.»

این ابتکار آقای دبیر فیزیک باعث شد هر دانش‌آموزی که آن روز در کلاس بود، به محض اینکه به یاد درس فیزیک می‌افتد یا کتاب فیزیک و کلمه «فیزیک» را می‌بیند، فوراً خاطره آن جلسه، خاموش شدن لامپ و پشت سر آن، علت خاموش کردن لامپ را در نظر می‌آورد. پس درس آن جلسه را به یاد می‌آورد و می‌داند که خواص جریان کدام‌اند.

دانش‌آموزانی هم که در کلاس نشسته‌اند و چشم‌هایشان به تخته و به دهان معلم دوخته شده است، ولی افکارشان در آسمان‌ها و روی موضوع‌های خارج از کلاس سیر می‌کند، یک‌مرتبه به خود می‌آیند و رشته افکارشان گسیخته می‌شود و متوجه درس دبیر فیزیک می‌شوند.

با مثال بالا به خوبی می‌بینید که با استفاده از تداعی معانی برای یادگرفتن درس می‌توانید در قیافه و حرکت‌دادن دست و پوشیدن لباس و چگونگی اخلاق هر جلسه دبیران دقت کنید و هر یک از حرکت‌ها و ظاهر دبیر را در درس آن جلسه دخالت دهید و از به یاد آوردن حرکت‌های دبیر در یادآوری درس‌ها استفاده کنید. مثلاً آن روز که دبیر شیمی دست‌هایش را در جیب کرده بود و در کلاس قدم می‌زد، درباره «تاریخچه شیمی» صحبت می‌کرد. آن روز که دبیر فیزیک لباس سیاه پوشیده بود، «مبحث نور» را شروع کرد. آن روز که دبیر زیست دست‌هایش را از طرفین بالا برده بود، شش‌ها را تعریف می‌کرد.

گذشته از اینکه حالت‌های متفاوت دبیر تداعی خوبی برای یادگرفتن درس‌هاست، لوازم و اشیای کلاس و سردی و گرمی، برفی و بارانی بودن هوا، و سایر چیزها در اصل مجاورت تداعی معانی و به یاد آوردن درس‌های گذشته نیز مؤثر هستند.

